

کژال - صفحه ۲۳

#تاریخ ادبیات:

طاهره ایب: صفحه ۱۷۴ کتاب درسی

#معنای لغات:

صفحه ۲۳: کژال، آهو (در اینجا اسم مادر) / روناک: روشن (در اینجا اسم فرزند) / بغل زد: در آغوش گرفت / کابوک: نوعی کبک (در اینجا اسم عمه) / لُپ: گونه / قنداقه: پارچه‌ای که نوزاد را در آن می‌پیچند / روله: (به زبان کردی) فرزند

صفحه ۲۴: ریگ: سنگ ریزه / گالش: دمپایی پلاستیکی / برجا ماند: ایستاده ماند، متوقف شد / صخره: تخت سنگ / آبادی: ده، روستا / پی گلّه: دنبال گلّه / زوزه: ناله‌ی سگ و گرگ / تنگ به خود فشرد ← تنگ: محکم، با فشار / گرگ آماده‌ی خیز بود ← خیز: حمله / می‌جهید: می‌پرید / هه‌زار: مظلوم و ستم‌دیده (در اینجا اسم شوهر) / قُروه: یکی از روستاهای کردستان / دمی بعد: لحظه‌ای بعد / خیش: وسیله‌ای برای شخم زدن، گاواهن / مویه می‌کرد: گریه می‌کرد / زار زد = ضجه زد: بلند گریه کرد / صورت خراشید: چنگ به صورت کشید

صفحه ۲۵: دایه: (به زبان کردی) مادر / هراسان: حیرت زده، ترسیده

صفحه ۲۶: بر سر زنان: در حال ناله و زاری / خرناسه: صدای خرخر کردن / معطل: منتظر، بلا تکلیف، بی‌کار / در هم پیچید: درگیر شد / خیره شد: زل زد، چشم برنداشت

صفحه ۲۷: بَدَرَد: (در اینجا) زخمی کند، بکشد / خراش عمیق: رخم جدی و کاری / سخت ترسیده بود: به شدت ترسیده بود / گلویش را با فریادی بلند خراشید ← خراشید: زخمی کرد، آسیب زد / مجال: فرصت، وقت لازم / زُل زد: خیره شد / زُل: نگاه خیره / قوه: نیرو و قوت، توان

صفحه ۲۸: اندوه: غم / گسترده شد: پهن شد / روی گرداند: بازگشت / برهاند: رها کند / تقلا: کوشش، تلاش / حق هق: صدای بریده بریده‌ی گریه

#آرایه‌ها:

صفحه ۲۳: سری به عمه بزند: کنایه از دید و بازدید کردن / دهکده تازه از خواب بیدار شده بود: کنایه از صبح زود + تشخیص / دهکده: مجاز مردم / روله‌ی شیرینم: حس آمیزی

صفحه ۲۴: سنگ‌ها بیدار می‌شدند: تشخیص / خشکش زد: کنایه از توقف (ترس و تعجب) / پوست بر تن کژال خراشید: کنایه از اینکه او را ترساند / روناک را تنگ به خود فشرد: کنایه از اینکه از ترس محکم او را بغل کرد / تن کژال مثل علفی در باد: تشبیه / تپه قد کشیده بود: اغراق یا بزرگ‌نمایی / دشت صدای کژال را برگرداند: تشخیص / دست گرگ مثل تیغه‌ی داس: تشبیه / تپه انگار تیرکی شده بود: تشبیه / نفس‌های تلخ گرگ: حس آمیزی / گرمی نفسش را پشت سرش حس کرد: کنایه از اینکه به او بسیار نزدیک شده بود / گرگ دندان‌های تیزش را به کژال نشان داد: تشخیص / قنداقه‌ی روناک از ترس جیغ می‌کشید ← قنداقه: مجاز از خودِ طفل / زمین را خیش می‌کشید: کنایه از اینکه به زمین چنگ می‌زد / پاره‌ی تنش: استعاره از فرزند (روناک) / روناک مثل بره: تشبیه / سنگ‌های بیابان را می‌خراشید: کنایه از اینکه همه حتی سنگ‌های بیابان را ناراحت می‌کرد.

صفحه ۲۵: کژال به موهایش چنگ زد: کنایه از گریه و ناراحتی فراوان / سنگ‌ها پایش را کوبیدند: تشخیص / دشت یک‌پارچه صدا شده بود: کنایه از فضای اندوه و ناراحتی / باد صدای کژال را با خود برد: تشخیص

صفحه ۲۶: صدا او را به خود می‌خواند: تشخیص / دندان بر دندان می‌سایید: کنایه از شدت خشم / خفه گریه می‌کرد: کنایه از گریه با صدای ضعیف / خاک راه، سنگ راه و تیغ راه... دويد: کنایه از اینکه برای دويدن از همه چیز کمک گرفت

صفحه ۲۷: امیدی به دل کژال دمید: کنایه از امیدواری / قدمی پیش گذاشت: کنایه از جلو رفت / دندان‌های گرگ آزاد را نشانه کرده بود: تشخیص / نفس تلخ گرگ: حس آمیزی / زخم نفس را بست: کنایه از داشت او را می‌کشت / دندان به هم فشرد: کنایه از عصبانی شدن / با چشم‌های خون گرفته‌اش: کنایه از شدت عصبانیت / تمام تنش ترس شده بود: اغراق یا بزرگ‌نمایی

صفحه ۲۸: اندوهی به وسعت دشت: کنایه از شدت اندوه و ناراحتی / دشت را یک پارچه صدای نفس‌های گرگ و آزاد پر کرده بود: کنایه از فضای التهاب و اضطراب / نتوانست گردن برهاند ← گردن رهانیدن: کنایه از نجات یافتن / نفس داغ گرگ، یک باره سرد شد: کنایه از اینکه مُرد / سرد و داغ: تضاد / دست‌ها را ستون کرد: تشبیه / هق هق: مجاز از گریه

#نکات_دستوری:

سگی از سگ‌های آبادی که پی‌گله بیرون آمده (است = فعل محذوف به قرینه‌ی معنوی) / خاکم به سر = خاک بر سرم: جهش ضمیر / خاکت بر سر = خاک بر سرت: جهش ضمیر / زمین را کمک گرفت = از زمین کمک گرفت ← را = از: حرف اضافه

#خود_ارزیابی:

۱- آزاد؛ چرا که با شجاعت تمام، بر ترس خود غلبه کرد و برای نجات جان یک انسان، بدون تردید جان خود را به خطر انداخت.

نوع نثر: ساده و روان
زاویه دید: روایت سوم شخص

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

  @farsitadris